



خرید شب عید و غفلت از نونوار کردن نگرش و رفتارمان

عید را ویتربنی نکنیم!

روی پیک‌نیک املت درست می‌کرد و یکی هم... حالانه خبری از آن توقف‌های بین راه هستت و نه از همکاری برای سفره انداختن در کنار جاده. کافی است قبل از عید سری به بازار بزنید و لیستی از به روزترین امکانات سفر را خریداری کنید. هم شیک است و هم کارتان در حین پذیرایی آسان می‌شود. پس لیست اقلام سفر را نیز به خریدهای عیدانه اضافه کنید.

■ **رونمایی از نونوارهای نوروزی**

حالا که خیال‌ها بابت پذیرایی از مهمان راحت شده برویم سراغ خریدهای دیگر. بچه‌ها طاقتشان طاق شده و می‌خواهند زودتر لباس و کفش نو بخرند. یک جایی را تعیین کنید تا با خانواده به خرید بروید. این یکی از دوست‌داشتنی‌ترین نوستالژی‌های نوروز است که نسل به نسل ادامه دارد و تورم و خالی‌تر شدن جیب‌ها تأثیری بر اصل اجرای آن ندارد. سنگ هم که از آسمان ببارد در حد وسعمان چند دست‌تی خرید می‌کنیم. مهم نیست کودکان الان به شلوار تیار داشته باشد یا شاید نه کفشش سوراخ شده باشد. مهم این است که خریدهای جدید باید در روز عید رونمایی و برای اولین بار استفاده می‌شود. بعضی‌ها هم عادت‌های جالبی دارند. کل خرید سالانه یا فصلشان را در خرید عید اتمام می‌کنند. یعنی از چند ماه قبل از عید کفش‌ها پاره لباس‌ها کهنه و کوچک شده و حتی موها دو رنگ می‌شوند. اما خانواده‌ها ترجیح می‌دهند این نو بودن مختص روز عید باشد و تغییرها هر چه بیشتر باشد، بیشتر به چشم می‌آید. بعضی‌ها تاریخ شمسی تغییر دگورشان نوروز است. توی اسفندماه به تکاوی می‌افتند تا تمام وسایل ریز و درشت خانه را عوض کنند. می‌گویند فلان سرویس میوه‌خوری تکراری است. ست فلان آجیل خوری تازه شده و باید به هر قیمتی شده آن را بخرند. نوروز برای زن‌ها پیچیده‌تر از یک عید باستانی است. مهم‌تر از دید و بازدیدهای معمولی که رخ می‌دهد، ردهای تجملات حتی توی دیرینه‌ترین مراسم

■ **مرضیه بامیری**

نوروز یک تحول بزرگ است. تحولی که هر سیصد و شصت و پنج روز یکبار رخ می‌دهد و همه چیز بوی تازگی و طراوت به خود می‌گیرد. کاش امسال کمی بیش از تحویل سال متحول شویم و کمی هم برای روزهای سخت پس‌انداز کنیم. آنقدر که اگر تعطیلات تمام شد کفگیر به ته دیگ نخورده باشد و ما را تا سر ماه به سلامت عبور دهد. با این توصیه کوتاه برویم سراغ مطلبمان که درباره خریدهای نوروزی است.

■ ■ ■

■ **خرید خوردنی‌های عید**

قدیم‌ها مثل الان فراوانی نبود. مثل الان نبود که توی هر فصلی میوه‌های فصل دیگر هم پیدا بشود. یا مثلاً یک روزی ترشی درست کردن خاص آخرهای تابستان و اوایل پاییز بود. همه سر سبز و ترش‌نی انداختن بودند، ولی حالا این کدبانوگری‌ها خیلی در انحصار زمان و مکان خاصی نیست. یاد می‌آید روزهای که اسفند کامیون‌های بزرگی مملو از سیب و پرتقال به شهر می‌آمد و مردم برای خرید میوه عید توی صف می‌ایستادند. هنوز یک هفته تا سالان تحویل مانده بود و قرار بود تا سیزده بدر میوه‌ها سبز شوند بمانند. مادر آنها را توی یک قابلمه روحی توی انبار می‌گذاشت تا بیخ زنده و خراب نشود. پای ابرویشان در میان بود. یکی دیگری از اقدامات مادرانه اسفند آماده می‌کردن ما بحتاج فریزر بود برای سیزده روز مهمانی و دورهمی. می‌توی کوجه‌بوی قرمه‌سبزی می‌پیچید و یکی دیگری لوبیا خرد می‌کرد. صف قبضی شلوع بود. گوشت و مرغ هم روزگاری غذای اعیانی محسوب و توی فریزر خانه‌ها برای مهمان‌های خاص تدارک دیده می‌شد. خرید عید یکی از بزرگ‌ترین دغدغه خانواده‌ها بود. هنوزم هست. برای شهرستانی‌ها بیشتر!

ایام عید اکثر شهرستانی‌ها مهمان دارند و بین یک ۱۳ روز را میزبانی می‌کنند. بسیاری از افراد دور از خانواده‌هایشان کار یا زندگی می‌کنند. تعطیلات عید بی‌بهاه آنها را گرم‌جمع می‌کند. بنابراین عید برای آنها رنگ و بوی دیگری دارد و جنس خریدهایشان فرق می‌کند. مادرها در تدارک چند بسته کرفس هستند. گردوی خرد شده برای وعده سفینجان تدارک می‌بینند و حالا مواد اولیه غذاهای مجلسی هم که جای خودش را دارد. بعضی‌ها خیلی روی دورهمی‌ها حساب می‌کنند و نمی‌خواهند در های از خوشنیش‌ها و گپ و گفت‌ها دور بمانند. این است که تا جزئی‌ترین مواد مانند لفل و هویج و... را خرید بسته‌بندی می‌کنند و اگر قرار است یک میزراقلمی تدارک دیده شود تمام مواد آن در عرض یک ساعت از فریزر بیرون آورده و یک ساعت بعد هم ناهار یا شام سرو می‌شود. گرچه این نوع آینه‌دنگری و برنامه‌ریزی دقیق می‌تواند میزان با هم بودن را افزون کند، اما نباید فراموش کرد دورهمی فقط حرف زدن نیست. می‌تواند این همدلی با یک ناهار محلی اتفاق بیفتد و همین بشود پهنانه تفریح. عده‌ای لوازم اولیه را بخرند عده‌ای مواد را آماده کنند و عده‌ای هم...

■ **ما بحتاج پیک‌نیک عیدانه**

خاطرم است تا همین ۱۲، ۱۰ سال پیش اگر پیک‌نیک عیدانه می‌رفتیم کلی اسباب و وسیله می‌بردیم. برای پختن یک آش رشته کلی زحمت می‌کشیدیم، اما همان دورهمی جذاب بود. چند نفر پیاز و نعناع داغ درست می‌کردند و یکی رشته خرد می‌کرد و دیگری ... برای نیم ساعت آش خوردن سه ساعت همدلی رخ می‌داد و در حین آشپزی دوستی و گفت‌وگو اتفاق می‌افتاد، ولی حالا آش رشته یک تفریح نیست فقط یک هوس است که در طبیعت طرفدار بیشتری دارد همه چیز آماده است و توی پیک‌نیک فقط سرو می‌شود. یا اگر برای سیزده بدر قرار به بیرون رفتن بود همان صبح زغال و توپ و دیگر مایحتاج را می‌خریدیم. کلی توی مسیر منتظر می‌ماندیم تا ماشین اقوام به ما برسد. اما چه جایایی پیاده می‌شدیم برای سرو صبحانه. همه دور بود. اما به دورهمی‌ها شده است. عده‌ای رو با پهن می‌کردیم و همانجا خیار و گوجه خرد می‌شد. یکی

اصطلاح آبرومندانه برگزار کنند. عادت‌مان کمی عجیب نیست؟ در طول سال با خواهر و برادر و سایر اقوام رفت‌و آمد می‌کنیم و هیچ‌گونه رودریابستی با هم نداریم، اما همین که نوروز می‌شود برای صمیمی‌ترین فرد خانواده هم تدارک انچنانی می‌بینیم و پذیرایی لاکچری می‌شود دغدغه اصلی‌مان. برایمان تیپ و ظاهر مهم می‌شود و باید به هر قیمتی شده بالا تا پایینمان را نونوار کنیم. برایمان مهم نیست مانتویی که می‌خریم گران است و می‌شود آن را بعد از عید با قیمتی مناسب‌تر خرید. مهم نیست که چند جفت کفش در خانه داریم. مهم این است که سال نو وسایل نو شوگن دارد و ما باید هر سال خرید کنیم آن هم درست‌تر در بچپوخه سال جدید که همه مردم عیدی‌هایشان را گرفته‌اند و عده‌ای هم پولشان را پس‌انداز کرده‌اند تا عید خرید کنند. توی بازارها و مراکز خرید و حتی دوروبر دستفروش‌های پیاده‌رو جای سوزن انداختن نیست. هر کس به هر مقداری که پول پس‌انداز کرده شب عید همه را خرج می‌کند. انگار قسم خورده‌اند که تا جیب‌ها را نتکانده‌اند، آرام بگیرند.

■ **عید را با رفتارهای افراطی‌مان خراب نکنیم**



خاطرم است تا همین ۱۲، ۱۰ سال پیش اگر پیک‌نیک عیدانه می‌رفتیم کلی اسباب و وسیله می‌بردیم. برای پختن یک آش رشته کلی زحمت می‌کشیدیم، اما همان دورهمی جذاب بود. چند نفر پیاز و نعناع داغ درست می‌کردند و یکی رشته خرد می‌کرد و دیگری برای نیم ساعت آش خوردن سه ساعت همدلی رخ می‌داد

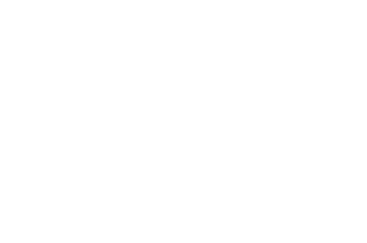


ملی هم به چشم می‌خورد و هر سال به تشریفات آن افزون می‌شود. هر سال مد جدید تخم‌مرغ‌های رنگی، مد جدید سبزه و حتی خرید تم جدید هفت سین! اگر خرید عید برای خانواده‌ها سنگین و پرهزینه است، اما بازار کار گسترده‌ای برای بسیاری از آدم‌ها ایجاد می‌کند. یا کمترین هزینه و اندکی ذوق می‌توان کارهای خلاقانه جدیدی عرضه کرد و پول شب عید را به راحتی درآورد. عده‌ای سبزه سبزی می‌کنند. عده‌ای هفت سین درست می‌کنند و عده‌ای حاجی فیروز یا تخم‌مرغ‌های پلاستیکی می‌سازند. تمام این کارها مقدس و قابل احترام است تا زمانی که نوروز برای ما محترم است.

■ **دغدغه پذیرایی‌های لاکچری**

چند سالی است که این خریدهای شب عید تبدیل به یک معضل جدی برای خانواده‌ها شده است. عده‌ای مجبورند خودشان را به آب و آتش بزنند تا عید را به

بعضی‌ها عید را ویتربنی جیب پر از پولشان می‌دانند تا سر و وضع زندگی‌شان را به رخ دیگران بکشند. هر چه آجیل‌ها پر مغز تر کلاشان بیشتر. یا اگر روی میز پذیرایی‌شان تعداد خوراکی‌ها بیشتر و گران‌تر بود، کلاشان بالاتر است. اصلاً مهمانی می‌روند که بگویند دیدی فلانی چه شکلات‌هایی گذاشته بود؟ چه خوراکی‌های گرانی و چه ... اگر به این تجملات و خرج تراشی‌های بی‌رویه ادامه دهیم چند صباح دیگر نسل جدید فراموش می‌کند چرا نوروز برای ما ایرانی‌ها مهم است. حق هم دارد، تنها چیزی که به خاطر می‌آورد خاطره تکا‌پوی خانواده‌ها برای خرید است



چرا اصراً داریم روزهای پایانی و در شلوع‌ترین ایام سال به خرید برویم؟ چه چیزی از این خرید ایام‌مان می‌شود، وقتی حتی فروشنده هم سرش شلوع است و پاسخ ما را یکی در میان می‌دهد؟ چرا سختی راه و ترافیک بی‌امان را به جان می‌خریم فقط برای اینکه از قافله خرید جا نمانیم؟ آیا جنس‌ها تمام می‌شود؟ یا شاید لباس مد روز را دیگری نمی‌شود پیدا کرد! اگر طرف غیر ضروری را بعد از عید یا چند ماه قبل بخریم آسمان به زمین می‌آید؟ چرا بدون ملاحظه اقتصادی فقط خرج می‌تراشیم و اصرار داریم همه چیز تو باشد؟

چیزی که باید نو شود روح و فکرمان است، نه وسایل‌خانه، نه لباس‌ها. با نقد با خریدها خودمان را خفه می‌کنیم که تا چند ماه خبری از خرید نیست و مجبور به تکرار می‌شویم، زیرا شب عید همه نیاز یکساله‌مان را خرید کرده‌ایم و حالا یک لباس جدید آمده ما امکان خرید نداریم.

هفت سین‌هایمان هر سال پررنگ و لعاب‌تر می‌شود و چیدمانش شیک‌تر، ولی آیا تأثیری در همدلی و مهربانی دارد؟ آیا کسی به شما به خاطر هفت سین خاتم‌کاری شده‌تان جایزه می‌دهد؟ پس چرا برای مراسمی که سالی یکبار است آنقدر هزینه می‌کنید و خودتان را به دردسر می‌اندازید؟ چرا شورا و حال عید را با این چشم و ده‌چشمی‌ها خراب می‌کنید؟

دغدغه بعدی که برای عده‌ای مهم است خرید عیدی است. بعضی اقوام رسم دارند به اعضای خانواده هدیه بدهند و عده‌ای دیگر هم فقط بزرگ‌ترها به کوچک‌ترها عیدی می‌دهند. از همان پول سو و تاخوره‌ده‌ای که لای قرآن گذاشته‌اند به نیت تبرک‌آدوستی می‌شناسم که هر سال عید هدیه‌های کوچک و بزرگ زیادی به تعداد اعضای فامیل تهیه می‌کند و آنها تروی دید و بازدیدها شناسی یکی از آنها را انتخاب می‌کنند. هدیه‌ها گران نیستند و شاید ارزش مادی زیادی ندارند، اما انتخاب آنها کلی هیجان دارد و برای کودکان بازی جذاب‌یی است. یک‌بار نزدیک ۲۰۰ عدد غمو-نوروز چوبی تدارک دیده بودند که فقط لباس‌هایشان فرق می‌کرد و هر کسی بر حسب سلیقه یکی را برمی‌داشت. شاید خبری از اسکناس‌های تاخوره‌ده نبود، اما بچه‌ها دوست داشتند زودتر به خانه آنها برنود و هدیه‌شان را بگیرند.

عده‌ای که دارند و دستشان به دهانشان می‌رسد، برایشان این خرید یکه‌ای نیست. دردناکی ماجرا وقتی است که عده‌ای با سلیلی صورتشان را سرخ‌نگه می‌دارند و شب عید مجبورند با به پای سایر اقوام هزینه کنند و آبرویشان را بخرند. برای عده‌ای نوروز نه تنها جذاب و دوست‌داشتنی نیست، بلکه از آن نفرت دارند. مثل پدربهای که شب عید دستشان خالی است و نمی‌توانند پاسخ‌نیازهای کودکانه را بدهند و مثل دیگران بچه‌هایشان را خوشحال کنند. برای بعضی‌ها که مجبورند هر سال یک مدل ظرف جلوی مهمان بگذارند و پول میوه و عیدی بچه‌های فامیل را به زور تدارک می‌بینند، عید جذاب نیست. برای آنهایی که وعده غذایی خودشان را به زور تهیه می‌کنند، اما حالا باید به واسطه نوروز سفره بلند بالا برای مهمان بگسترانند، برای عده‌ای که از نگاه پر حسرت کودکان شرم‌گینند.

بعضی‌ها اهل افراط هستند. کل خرید چهارشنبه سوری‌شان از خرید عید یک خانواده بیشتر است. بعضی‌ها عید را ویتربنی جیب پر از پولشان می‌دانند تا سر و وضع زندگی‌شان را به رخ دیگران بکشند. هر چه آجیل‌ها پر مغز تر کلاشان بیشتر. یا اگر روی میز پذیرایی‌شان تعداد خوراکی‌ها بیشتر و گران‌تر بود، کلاشان بالاتر است. اصلاً مهمانی می‌روند که بگویند دیدی فلانی چه شکلات‌هایی گذاشته بود؟ چه خوراکی‌های گرانی و چه ... در حالی که کمی قبل‌تر دغدغه جذاب زنان ایرانی تهیه شیرینی‌های خاص عید بود و توی اسفند مشاممان با انواع رایحه شیرینی و قطاب‌ها پر می‌شد. اگر به این تجملات و خرج تراشی‌های بی‌رویه ادامه دهیم چند صباح دیگر باید فاتحه این آیین و سنت را بخواهیم. نسل جدید فراموش می‌کند چرا نوروز برای ما ایرانی‌ها مهم است. حق هم دارد، تنها چیزی که به خاطر می‌آورد خاطره تکا‌پوی خانواده‌ها برای خرید است. در حالی که نوروز شدن نگرش و رفتارمان به مراتب مهم‌تر است.

رسانه‌سوری‌انجول



دفاع مدافعان سلامت از جان ما

دست‌های تو بهترین مرهم

■ **حسین گل‌محمدی**

معروف ویروس‌اگر کرونا برای ما آب نداشته برای آنها که دنبال گرفتن ماهی بوده‌اند حسلیانی نان داشتند! عده‌ای هم تروی این شلوعی بازار کرونا، دنبال ارز و سکه هستند و حتی یک لحظه را هم از دست نمی‌دهند. حالا بازار ماسک و ژل و موادهداشتی و... بماند.

یک عده دل به شایعات می‌دهند و هر روز بر طبل هراس و ناامیدی می‌کوبند. صفحه اینستاگرامشان را که باز می‌کنی بوی سند یأس و ناامیدی به مشام می‌رسد و تازه اگر مخالفت کنی تو را بی‌تفاوت می‌خوانند. یک عده در واقع کارشان همین تولید خبرهای یأس‌آور است. یکهو چشم‌باز می‌کنیم و می‌بینیم تا خرخره توی اخبار بد و ترسناک فرو رفته‌ایم و یک ویروس زندگی‌ها را فلج و بعضی‌ها را چشم انتظار مرگ کرده است.

از قلب‌هایمان زوده‌است. اینجاست که دیگر کرونا می‌شود یک آزمایش ملی. عرصه خود‌آزمایی تک‌تک آدم‌های این سرزمین که حالا امتحان پس می‌دهند و معلوم می‌شود هر کدام چقدر به آنچه ادعا می‌کنند نزدیکند. ذات خیلی‌ها اینجا معلوم می‌شود. ویروس هراسناکی است، اما بیشتر به دانشگاه آدم‌شناسی می‌ماند.

بعضی‌ها چیز خود و خانواده‌شان را دوست دارند و موبه موبه نکات بهداشتی عمل می‌کنند و با این کار خود به جان دیگران نیز احترام می‌گذارند. مادرها توی خانه دست‌از کار می‌کشند، فعالیت‌های اجتماعی را رها کرده و تمام دغدغه‌شان می‌شود سلامت اهالی‌خانه.

یکی عده هر روز اخبار را می‌بینند به امید اینکه دنبال گشایش‌های در کسبشان باشند. می‌فهمند لیمو و زنجبیل برای بالا بردن ایمنی بدن مفید است، پس با بی‌رحمی تمام قیمت‌ها را تا چند برابر بالا می‌برند. به قول

سبک‌معنویت

نگاهی به مفهوم متعالی و چندوجهی عید در جامعه اسلامی

روزی برای بازگشت به خویشتن

■ **مهدی مهاجر**

عید مفهومی است که هر چند به مصادره مناسبت‌ها در آمده است، اما در فرهنگ اسلامی موضوعی فراتر از بهانه‌های تقویمی است. نگاهی به احادیث و روایات معصومی نیز تأکیدی بر این موضوع است و به عید معنا و مفهومی بسیار عمیق و متعالی می‌بخشد. با نگاهی به برخی از فرمایشات معصومین(ع) متوجه می‌شویم که چنانچه زندگی آدمی، منش و رفتار او در مسیر رشد و معنویت باشد هر لحظه و هر روز او عید خواهد بود. به فرمایش امیرالمؤمنین علی(ع) هر روزی که در آن معصیت و گناه نشود عید است.

در حقیقت اگر چه «عید» به جشن سالانه‌ای گفته می‌شود که هر سال با بازگشت خود، سرور و نشاط را به قوم، نژاد یا ملتی باز می‌گرداند، اما معنای ژرف‌تر آن، بازگشت انسان به ریشه آسمانی خویش و رجعت روحی و معنوی به میدانی است که او را آفریده و از او پیمان گرفته است تا شأن بندگی و اطاعت را رعایت کند.

اما حجت‌الاسلام دکتر تقی‌زاده داوری به ابعاد دیگری از اعیاد اشاره می‌کند و می‌گوید: «اعیاد، عمدتاً ماهیت جامعه‌شناسانه و مردم‌شناسانه دارند و لازم است اعیاد را از جهت میزان فراگیری و روابط اجتماعی آنها مورد مطالعه قرار دهیم و نقش، جایگاه و کارکرد آنها را در جوامع تبیین کنیم. در میان اعیاد موجود در دین اسلام، اعیادی مثل عید سعید قربان و عیدسعید فطر ریشه و تئوبت و اجتماعی فراهم کرد و با تعمیق و تقویت کارکردهای آن فضای خودشناسی و گذر و شعبان به تدریج به‌عنوان عیدی فراگیر در میان مسلمانان رواج یافته‌اند.»

به گفته‌ای پژوهشگر بسیاری از اعیاد اسلامی معمولاً با آداب خاصی اجرا می‌شوند و از جهات مختلف ویژگی خاصی دارند و در